



چشم‌انداز جلد ششم دائرة المعارف بزرگ اسلامی / دوم آذر ۱۳۷۳

فرو کاسته و در نتیجه به «بازآموزی» در بسیاری زمینه‌ها، به‌ویژه در زمینه آیین پژوهش نیازمندند؛ کار مهمی که در مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی در حال انجام گرفتن است. در مسیر این تربیت‌کردن‌ها و آموزش‌دادن‌ها و رهسپری‌ها چونان «مرغان منطق‌الطیر» که در هر منزل شماری از آنان از رهروی باز می‌مانند تنی چند از این کوشندگان یا از کوشش بازمی‌ایستند یا به راهی دیگر می‌روند و سرانجام هم همان‌سان که آن‌جا از مجموع مرغان، سی مرغ به مقصد می‌رسند این‌جا هم شماری محدود به مقصد پژوهش واقعی دست می‌یابند که باید قدرشان را شناخت و گذاشت «آردشان نماند» یعنی باید زندگی‌شان را تأمین کرد تا بتوانند عمر در سر کار پژوهش کنند.

اگر معاش انسان تأمین نباشد هر کار و هر وظیفه که به عهده‌اش گذاشته شود با تداعی «آرد نماند = معاش تأمین نیست» ذهنش پریشان می‌شود و کار، «چنان‌که باید» انجام نمی‌پذیرد. بنابراین این پرسش که آیا در نسل جوان، پژوهشگر وجود دارد، بی‌گمان، مثبت است. همیشه و در همه دوران‌ها در میان انبوه تحصیل‌کردگان شماری نه‌چندان زیاد به پژوهش و تحقیق روی می‌آوردند و در میان این شمار نه‌چندان زیاد، شماری محدود عاشقانه به کار پژوهش می‌پرداختند. در روزگار ما نیز وضع به همین منوال است، منتهی افزایش چشم‌گیر کمیّت دانش‌پژوهان و کاهش کیفیت آموزش، به‌ویژه در این سال‌ها کیفیت دانش آن شمار اندک روی‌آوردگان به پژوهش را هم

درباره لزوم عنایت به نسل پژوهش‌گران جوان در مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی

قدرشان را باید شناخت



اصغر دادبه

مدیر بخش ادبیات و عضو شورای عالی علمی مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی

می‌کند و امکان می‌یابد که کارش «پخته شود». در «چهارمقاله» نظامی عروضی سمرقندی، در مقاله دبیری داستانی نقل شده از کاتبی از کاتبان خلیفه‌ای از خلفای عباسی که در کار نوشتن نامه‌ای به والی مصر بود. در اثنای کار خدمتگزارش وارد دفتر کارش شد و گفت: «آرد نماند». دبیر چنان پریشان شد که بی‌اختیار این جمله را در نامه درج کرد. چون نامه جهت بازبینی و تأیید به دست خلیفه رسید حیران ماند و از کاتب، سبب پرسید و کاتب ماجرای «آرد نماند» را باز گفت و خلیفه، برخلاف بسیاری از خلیفه‌ها دستور داد تا نیازهای زندگی کاتب چنان برآورده شود که دغدغه معاش پریشانش نسازد. این داستان چه واقعی باشد، چه ساختگی گویای حقیقتی است انکارناپذیر، این حقیقت که

چندی پیش در مصاحبه‌ای از من پرسیدند که اگر باز هم به دنیا بیایید، همین کارها را انجام می‌دهید؟ گفتم بله، ولی با یک تفاوت! دیگر نامم را وصل این کار نمی‌کنم. اگر محقق درد معاش نداشته باشد، کار به بار می‌نشیند و نتیجه می‌دهد. یکی از دلایلی که باعث می‌شود محقق جوان یا غیر جوان منابع را کنار هم بچیند، آن است که می‌خواهد مردش را بگیرد و به تعبیر مردم به «زخم زندگی‌اش بزند» یعنی می‌خواهد زندگی کند و زندگی خرج دارد. اگر هم از «پخته شدن» (تعبیر استاد مجتبیائی) خبر داشته باشد، امکان صبر کردن و تأمل کردن و تحمل کردن ندارد. زندگی کسی که به کار پژوهش می‌پردازد اگر تأمین نشود و دغدغه معاش از میان بریزد طبیعی است که فرصت تأمل بیش‌تر پیدا

روایتی از یادگیری‌هایم از بزرگان مرکز دائرة المعارف اسلامی

پندهای زندگی



یونس کرامتی

مدیر بخش‌های تاریخ علم و علوم زیستی و عضو شورای عالی علمی مرکز دائرة المعارف اسلامی

من افتخار بارها نشست و برخاست با مرحوم دکتر عباس زریاب‌خویی را داشتم اما همواره نگران بودم مبدا قدر ایشان را ندانیم هرچند فکر می‌کنم دو، سه نفری از ما قدر این موقعیت‌ها را دانستیم. استاد سیدفتح‌الله مجتبیائی - که خدایش حفظ‌کناد - بسیار نیک‌محضر است و هنوز هم به من لطف دارد. من یکی از بهترین پندهای زندگی را از زبان ایشان شنیدم و دریافتم آن روز که به‌جای استفاده از آن چه فرصت می‌نمود به‌دنبال علاقه خود رفتم و نیز آن روز که می‌توانستم از میهن خود بروم و نرفتم اشتباه نکردم. شادروان شرف‌الدین خراسانی نیز مردی بسیار دانشور و نازنین بود. من آن هنگام یک دوربین زینت داشتم و هرازگاهی از بزرگان عکسی می‌گرفتم. یک‌بار عکسی از ایشان گرفتم که بسیار زیبا از کار درآمد (البته نه به‌دلیل مهارت من، که به‌دلیل فوتوژنیک بودن ایشان). ایشان نیز بسیار پسندید تا جایی که نکاتی را از من طلب کرد تا از این عکس برای عزیزانش تکثیر کند و هرچه من اصرار کردم خودم برایشان تکثیر کنم نپذیرفت. این عکس همه‌جا دست‌به‌دست شد البته هنگام و جایی که من به‌هیچ‌وجه دوست نداشتم یعنی پس از درگذشت ایشان و در چند مراسمی که برای یادبودش گرفته شد.

نگاهی به ابداع «پرونده‌های علمی» در مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی

برای تسریع در کار



ایران نازکاشیان

مدیر بخش آموزش و کارورزی پژوهشی (پرونده‌های علمی)، طرح فهرست مقالات فارسی و عضو شورای عالی علمی مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی

بخش پرونده‌های علمی کاملاً ابداع این‌جاست که توسط خود آقای بجنوردی صورت گرفت. پیش از این مثل همه مراکز علمی سفارش مقاله داده می‌شد. طبیعی است برای تألیف مقاله می‌بایست به همه منابع مراجعه کنند و ناچار تک‌تک منابع را در اختیار داشته باشند. به‌مرور تصمیم گرفتند تصویر منابعی را که مورد ارجاع بود بدون ذکر شناسنامه تهیه کنند. سپس متوجه شدند که احتمال رخ دادن خطا بسیار است. برای جلوگیری از این اتفاق تصمیم گرفتند وقتی منبعی را کپی می‌کنند، تصویر شناسنامه و صفحه اول کتاب نیز ضمیمه شود تا خطایی در ارجاع‌دهی رخ ندهد. به تجربه تشکیل پرونده کامل و کامل‌تر شد. ما سعی می‌کردیم منابع را گزینش شده در اختیار نویسنده قرار بدهیم. با این‌که تلاش بسیاری می‌کردیم تا حداقل هفتاد درصد منابع در اختیار نویسنده قرار گیرد اما در هنگام تألیف زوایایی مبهم باقی می‌ماند که نویسنده ناچار بود به منابعی که در زمان تشکیل پرونده گردآوری نشده مراجعه کند. به یاد دارم پرونده‌ای را که برای تألیف در اختیار من گذاشتند و خود تشکیل آن را بر عهده داشتم، به اندازه همان منابعی که خود جمع کرده بودم، بر منابع افزودم. چرا؟ زیرا نگرشی که من به‌عنوان تشکیل‌دهنده پرونده داشتم با دیدی که نویسنده به مقاله دارد، متفاوت است. نگاهی که ما در تشکیل پرونده داریم نگاهی کلی است.